



A Comparative Study of Freedom from the Perspective of the Holy Quran and International Human Rights Documents *



Mohammad Mahdi Sedighi¹ 

Mohammad Taghi Dashti² 

1. PhD Student in Public International Law, Islamic Azad University, Qom, Iran (corresponding author).

Email: m09121530096@gmail.com

2. Assistant Professor, Imam Baqir University, Tehran, Iran.

Email: t_d_dashty@yahoo.com

Abstract

The right to freedom in Islamic teachings and international human rights documents is considered one of the fundamental rights of individuals and essential to their social existence. This article presents a comparative analysis of the concept of freedom in international human rights documents and examines its alignment with Islamic discourse to address some of the unwarranted criticisms from Western societies. It seeks to highlight the limitations of human rights documents, which are sometimes used as tools to subjugate humanity. Using an analytical-descriptive and comparative approach, the article explores the broader boundaries of freedom in the Holy Quran and international human rights documents, examining the scope of freedom in each. International human rights documents, most notably the Universal Declaration of Human Rights (1948), which emerged largely after World War II, center on the ideal of human freedom. The main point of contention regarding freedom

* Sedighi, M. M.; Dashti, M. T. (2023). A Comparative Study of Freedom from the Perspective of the Holy Quran and International Human Rights Documents. *Journal of Political Science*, 27(105), pp. 229-258. <https://doi.org/10.22081/psq.2024.66975.2814>

 **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

*** Type of article:** Research Article

 **Received:** 2023/12/012 •  **Revised:** 2024/01/17 •  **Accepted:** 2024/03/04 •  **Published online:** 2024/03/25

© The Authors



in the Holy Quran and prominent human rights documents lies in the boundaries of this freedom. In Islam, absolute freedom holds no real place or meaning; it is viewed as a form of servitude. Neither individuals nor governments can remain indifferent to beliefs and ideologies, as a misguided ideology could lead a society into corruption and ruin. Thus, the Quran does not condone disregard for religion. Regarding the relationship between freedom's elements, some believe in divergence and conflict, while others see convergence. However, significant parallels exist between many provisions of human rights documents and Quranic verses on freedom. For example, freedom is seen as a fundamental right, emphasizing equality before the law and intrinsic human dignity. The Holy Quran contains numerous elements reflected in the Declaration of Human Rights and serves as the foremost religious document affirming the various freedoms granted to humanity, even though its foundations and principles may not fully align with those documents.

Keywords

Freedom, Right, Human Rights, International Documents, the Holy Quran.



بررسی تطبیقی آزادی از منظر قرآن کریم و اسناد

بین‌المللی حقوق بشر*

محمدتقی دشتی^۲ 

محمد مهدی صدیقی^۱ 

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران (نویسنده مسئول).

m09121530096@gmail.com

۲. استادیار، دانشگاه امام باقر علیه السلام، تهران، ایران.

t_d_dashty@yahoo.com



چکیده

حق آزادی در آموزه‌های اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر از بنیادی‌ترین حقوق انسان‌ها و حیات اجتماعی او شمرده می‌شود. این مقاله به بررسی تطبیقی آزادی و تبیین آن در اسناد بین‌المللی و مطابقت آن با گفتمان اسلام می‌پردازد تا به بخشی از هم‌جهه‌های ناروای جوامع غربی پاسخ گوید و ناکافی بودن اسناد حقوق بشری که گاه ابزاری برای به اسارت کشیدن انسانیت است، مبرهن گردد. مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و رویکرد تطبیقی بر آن است تا با کاویدن در مرزهای کلان آزادی در قرآن کریم و اسناد بین‌المللی حقوق بشر و موازنه آنها، حدود آزادی را بررسی کند. اسناد بین‌المللی حقوق بشر که بیشتر پس از جنگ جهانی دوم تدوین یافته‌اند، به‌طور عمده بر آرمان آزادی انسان استوار است که مهم‌ترین آنها «اعلامیه حقوق بشر» (۱۹۴۸ م.) می‌باشد. درباره رابطه آزادی در قرآن کریم و مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، محور مناقشه حدود آزادی است. در اسلام رهایی مطلق معنا و جایگاهی واقعی ندارد و خود به معنای بردگی است و افراد یا حکومت نمی‌توانند به عقاید و افکار بی‌تفاوت

* **استناد به این مقاله:** صدیقی، محمد مهدی؛ دشتی، محمدتقی. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی آزادی از منظر قرآن کریم و

اسناد بین‌المللی حقوق بشر. علوم سیاسی، ۲۷(۱۰۷)، صص ۲۲۹-۲۵۸.

<https://Doi.org/10.22081/psq.2024.66975.2814>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقر علیه السلام قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶



باشند؛ چه بسا عقیده‌ی نادرست جامعه‌ای را به فساد و تباهی بکشاند و از این رو قرآن بی‌اعتنایی به دین را بر نمی‌تابد. از سوی دیگر درباره‌ی نسبت میان مؤلفه‌های آزادی، گروهی به واگرایی و تعارض باور دارند و عده‌ای دیگر آنها را هم‌گرا می‌دانند؛ اما وجود مشابهت و مشاکلت میان بسیاری از مواد اسناد حقوق بشر و آیات قرآن کریم در مورد آزادی امری یقینی است؛ همانند تلقی شدن آزادی از مهم‌ترین حقوق بنیانی، حق مساوات و برابری انسان‌ها در برابر قانون و کرامت ذاتی انسان. قرآن کریم در بردارنده‌ی بسیاری از مواد اعلامیه حقوق بشر و همچنین مهم‌ترین سند دینی در مورد داشتن حق آزادی‌های گوناگون برای انسان است؛ هرچند در مبانی و اصول با آن همخوان نیست.

کلیدواژه‌ها

آزادی، حق، حقوق بشر، اسناد بین‌المللی و قرآن کریم.

مقدمه

حق آزادی یکی از حقوق اساسی انسان است که ذاتی اوست و قابل سلب نیست. این حق اولین بار در سده هجدهم میلادی در اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب فرانسه مطرح گردید و بعدها الهام‌بخش دیگر اسناد بین‌المللی گردید؛ در حالی که قرآن کریم قرن‌ها پیش از اعلامیه‌های حقوق بشر به این مهم پرداخته است. آموزه‌های قرآن کریم درباره آزادی و بیان حدود آن اهمیت زیادی دارد. قرآن که خدوند را حق مطلق می‌داند (طه، ۱۱۴)، دسته‌ای از حقوق را برای انسان به رسمیت شناخته است (حقُّ له)؛ اما در پاره‌ای موارد او را موجودی مکلف معرفی می‌نماید (حقُّ علیه) که مبین تکلیف‌گرایی است؛ بنابراین با توجه به مبانی قرآنی و در مقابل موج سنگین اشاعه و ترویج مفاهیم حقوق بشری، برخوردهای متفاوتی در جهان اسلام صورت گرفت که عبارت‌اند از: ردّ و منع و طرد مطلق آنها؛ پذیرش و توجیه و تطبیق وضع موجود؛ الگوگرفتن از اعلامیه جهانی حقوق بشر و شاید کنوانسیون‌های حقوق بشر اروپایی و آفریقایی؛ تنظیم و تدوین اصول و موازین حقوق بشر پذیرفته‌شده در اسلام و اعلام آنها به عنوان نظام حقوق بشر اسلامی. آنچه اهمیت زیادی دارد این است که رویکرد اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قرآن کریم درباره آزادی است و اینکه آیا اسلام به این حق ذاتی اتمام کرده و برای آن حد و مرزی قائل است یا آن را به‌طور مطلق پذیرفته یا طرد کرده است؟ در این پژوهش اسناد بین‌المللی حقوق بشر درباره آزادی در اشکال مختلف و حدود و ثغور آنها پیش‌بینی شده و سپس با تکیه بر آموزه‌های قرآنی که بر لزوم وجود و حفظ این آزادی‌ها تأکید می‌ورزد و آن را در زمره احکام لازم الاجرای الهی می‌داند، به صورت تطبیقی بررسی می‌شود.

روش پژوهش در این مقاله با توجه مفاهیم جدید، همچون آزادی و بیان حدود آن است که از رهگذر مواجهه با فرهنگ غربی در میان مسلمانان نفوذ یافته است. نخست باید بفهمیم هر کدام از آزادی‌ها در مفهوم جدید خود ناظر به چه امری است و سپس آن را در قرآن کریم پی‌جویی کنیم. اگر آن مفهوم را در کلیت خود در نصوص دینی نیافتیم، باید به دنبال مؤلفه‌های آن باشیم تا ارتباط آن مفهوم را در معنای جدید و

ستی آن بیابیم؛ از این رو در این پژوهش از روش «خزش بینافرهنگی» استفاده کرده‌ایم.

۱. مفاهیم پژوهش

۱-۱. آزادی

واژه «آزادی» در ادبیات زبان فارسی به معنای رهایی، خلاف بندگی، قدرت انتخاب، خلاصی و... آمده است (معین، ۱۳۷۷، ج. ۱، ص. ۴۶؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۱، ص. ۳۲). برخی «آزادی» را از ریشه اوستایی «آزاتیه» یا «آزاته» گرفته‌اند (حائری، ۱۳۷۴، ص. ۷)؛ بنابراین آزادی به معنای مخالف بردگی از دیرباز در ادبیات فارسی به کار رفته است.

به نظر می‌رسد واژه «حرّ» از اصل «ح ر ر» در عربی نیز قدمت زیاد دارد و می‌تواند معادل واژه «آزادی» قرار گیرد و نیز به معنای استقلال، طلاقه، صراحه، رفع الکلفه و تحرّرم آمده است (منیرالبلکی، ۱۹۹۶م، ص. ۳۶۸). عده‌ای نیز «حرّ» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «الحرّ فی اللغة خلاف العبد والرقیق والحریّه حالة وهی خلاف الرقّ أو العبودیة» (بستانی، ۱۹۸۰م، ج. ۳، ص. ۷).

معادل «آزادی» در ادبیات انگلیسی، «Liberty» و «Freedom» است که به معنای رهاشده از قید و شرط، نامحدود، نامقید و... می‌باشد (کرنستون، ۱۳۵۴، ص. ۴۴).

آزادی در اصطلاح اغلب به صورت جمع و در حوزه مناسبات فردی و اجتماعی، همچون آزادی قلم و بیان، آزادی اندیشه، آزادی احزاب و تجمعات است و گاه نیز معنای ضدّ و نقیضی به خود گرفته است. عده‌ای آزادی را یک حق و برخی دیگر آن را یک واقعیت تلقی کرده‌اند (سروش، ۱۳۷۵، ص. ۴۲). آزادی به عنوان یک حق بر نوع جهان‌بینی و نگرش به جهان هستی و انسان مبتنی است؛ یعنی عقاید آنها در دو تعریف الحادی یا سکولاریستی و الهی خلاصه می‌شود. بر اساس رویکرد الحادی، آزادی حق انسان است و آدمی در نوع پوشاک، خوراک، مسکن، عقیده، رفتار و همه جنبه‌های زندگی آزاد است (اسحاقی، ۱۳۸۴، ص. ۲۲)؛ به دیگر بیان آزادی خواهش‌های انسان است و انسان بر اساس مجموعه‌ای از این خواست‌ها و تمایلات نفسانی و قانونی شده، بدون

توجه به امر و نهی الهی زندگی می‌کند. بر اساس آموزه‌های قرآن، آزادی حقی است که خداوند برای انسان جعل و مقرر کرده و حدود آن نیز قوانین الهی است.

۲-۱. مفهوم آزادی نزد اندیشمندان غربی و قرآن کریم

در میان اندیشمندان غربی تعریف‌های گوناگون از آزادی هست که اختلاف در تعاریف به اختلاف در دیدگاه آنها به انسان بر می‌گردد. هابز آزادی را به معنای نبودن مانع بر سر راه فعالیت انسان می‌داند. انگلس می‌گوید: آزادی شناختن قوانین طبیعت و به کار بستن آن به نفع جامعه انسانی است (مقدم، ۱۳۴۴، ج ۲، ص. ۱۲۵). کانت معتقد است «آزادی به معنای عدم اجبار انسان به اطاعت از اراده‌ی انسان دیگر است» (کوئینتن، ۱۳۷۱، ص. ۱۸۴).

آزادی در قرآن از سه عنصر و مؤلفه اصلی فاعل، مانع و غایت تشکیل شده است (میراحمدی، ۱۳۸۰، ص. ۱۱۹) که می‌توان با لحاظ این موارد دریافت که انسان در قرآن کریم فاعل مختار، آزاد و مسئول فرض شده است: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف، ۲۹)؛ یعنی اراده نیز باید همراه قدرت باشد، و گرنه آزادی مفهومی تهی و پوچ خواهد بود (موسویان، ۱۳۸۹، ص. ۲۲). در قرآن کریم مراد از آزادی، صرف رهایی از هواهای نفسانی نیست؛ بلکه لازمه این آزادی و رهایی عبودیت در مقابل پروردگار عالم است. قرآن کریم انبیا را به صورت آزاد مردانی ترسیم می‌کند که برای رهایی انسان‌ها از قید و بندها به عامل درونی و بیرونی، همچون هواهای نفسانی، جهل، خودکامگی، افزون‌طلبی و... تلاش کرده‌اند (نحل، ۳۶).

۳-۱. آزادی در این پژوهش

به منظور سامان‌دادن این مقاله، نخست انواع آزادی و مؤلفه‌های آن را مشخص می‌کنیم تا ابهامی در این زمینه نماند. در علم حقوق از گونه‌های مختلف مفهوم آزادی بحث می‌شود. در این میان، شاخه‌ای از دانش حقوق وجود دارد که به حقوق اساسی موسوم است. ذیل حقوق اساسی، طبقه‌بندی‌ها و حقوق و آزادی‌های گوناگون و متنوع

بررسی می‌گردد؛ هرچند این طبقه‌بندی را نمی‌توان مورد اجماع همه عالمان حقوق دانست، می‌توان گفت که از اعتبار و مقبولیت بیشتری برخوردار است. در این طبقه‌بندی، حقوق اساسی به چهار موضوع اصلی تقسیم می‌گردد که عبارت است از: آزادی‌های اقتصادی - اجتماعی؛ آزادی‌های گردهمایی؛ آزادی اندیشه و آزادی‌های عملکرد فردی (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۷۳، ص. ۹). آنچه که در این مقاله از آن بحث خواهیم کرد آزادی اندیشه و آزادی گردهمایی است که مباحث آزادی بیان، آزادی عقیده و دین، آزادی احزاب و جمعیت‌ها و آزادی تجمعات را در بر می‌گیرد.

۲. آزادی بیان

آزادی بیان از مهم‌ترین آزادی‌ها و یکی از حقوق اولیه انسان است. آزادی بیان گاه چنان گسترده است که حق آزادی عقیده و آزادی عمل را نیز شامل می‌گردد و گاه چنان محدود می‌شود که حتی بعضی از مصادیق بیان نیز از شمول دایره آزادی بیان خارج می‌شود (برندگی، ۱۳۸۹، ص. ۴۳). آزادی بیان به شکل‌های مختلفی جلوه‌گر می‌شود. بیان عبارت است از تبلور اندیشه‌ها، عقاید و تفکرات اشخاص به هر شکل ممکن. این گونه تبلور مکونات ذهنی انسان می‌تواند به شکل نوشتن و مطبوعات، هنر، سخنرانی و مطلق اطلاع‌رسانی تجلی یابد. در پرتو اسناد بین‌المللی و رویه‌های قضایی بین‌المللی تلاش شده است مصادیق اصلی آن آشکار شود و به موجب آن انسان حق دارد عقاید و افکار خویش را بدون هیچ‌گونه مانع و ترسی از تعقیب ابراز کند. عرصه‌ها و مقولات آزادی بیان را می‌توان به سه صورت بیان کرد: بیان و اظهار افکار و عقاید خویش، بیان انتقادات و ارائه پیشنهادها، آزادی رسانه‌ها و مطبوعات.

۲-۱. آزادی بیان در اسناد بین‌المللی

مهم‌ترین سندی که به صراحت حق آزادی بیان را به رسمیت شناخت، اعلامیه جهانی حقوق بشر است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

سیاسی، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها اسناد مهم دیگری هستند که به طور جامعی آن را اعلام کرده‌اند. در این اسناد حقوقی، حقوق و آزادی بیان یکی از حقوق بنیادین معرفی شده و به تکرار اعلام گردیده و مورد حمایت قرار گرفته است؛ همچنان که در اعلامیه حقوق بشر با عنوان «حقوق مدنی» بیان گردیده و از آن حمایت شده است: «آزادی اشخاص در اظهار عقاید و افکارشان و ایراد سخن و سخن‌وری بدون ترس و وحشت از پیگیری و بازداشت و دخالت دولت» (بخشی، ۱۳۷۴، ص. ۹۸۵). ماده نوزدهم اعلامیه حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده در بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد». در اصل چهاردهم اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه نیز به صراحت آمده است که هر کس آزاد است سخن بگوید، بنویسد، چاپ کند و هرگونه افکاری را انتشار دهد (قاضی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۹) و نباید هیچ کدام از قوانین و مقررات در این اعلامیه به گونه‌ای تفسیر شود که متضمن حقی برای دولت یا جمعیت یا فردی باشد که به سبب آن بتواند حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه را از میان ببرد یا در آن راه کوشش و فعالیتی کند (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۲). آزادی بیان در کنوانسیون‌های اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰م). (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص. ۱۶۸)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۵۹م). (عبداللهی، ۱۳۸۶، صص. ۱۳۹-۱۴۰) که گامی اساسی در جهت حمایت از حقوق و آزادی‌های کودکان شمرده می‌گردد، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹م)، کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر (۱۹۸۱م). (آقایی، ۱۳۷۶، ص. ۱۳۵؛ کولیور، ۱۳۷۹، ص. ۴)، بیانیه ژوهانسبورگ (۱۹۹۵م)، برخوردار از آزادی بیان مورد تأکید قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است.

۲-۲. آزادی بیان در قرآن کریم

در قرآن کریم نیز آزادی بیان و انتقاد و تعیین موضع وجود دارد. آزادی در عرصه ابراز افکار و عقاید و بیان مواضع خویش در موضوعات گوناگون به عنوان یک حق

شناخته شده و مورد پذیرش است (زمر، ۱۷-۱۸). قرآن کریم بیان می‌دارد که افکار و عقاید گوناگون و ابراز آنها در جامعه دینی آزاد است. انسان نخست باید سخن و قول مخاطب را بشنود و سپس دست به انتخاب بزند. قرآن حق اظهار بیان را برای همه آحاد جامعه محترم می‌شمارد و اصل امر به معروف و نهی از منکر در همین راستا تشریح شده است (مؤمنون، ۵۳؛ اسراء، ۸۴). این مسئله خود بهترین ضامن اجرایی برای حفظ جامعه دینی از آسیب‌ها، فساد و خودکامگی است (زمر، ۱۷-۱۸). قرآن کریم به کسانی بشارت می‌دهد که گفتارها را می‌شنوند و تسلیم بی‌قید و شرط نمی‌شوند و پس از شنیدن منطق دیگران، خوب‌ترین آنها را انتخاب می‌کنند و در میان خوب‌ها نیز بهترین‌ها را بر می‌گزینند (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۴۱۲). این منطق پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام در رفتار با مخالفانشان بوده است. ایشان در مواجهه با نظرات مردم در کارهای حکومتی و اجتماعی، هیچ‌گاه آنها را تحمیل و اجبار نمی‌کردند (مطهری، ۱۳۶۱، ص. ۱۶). پیامبر می‌فرماید:

مقلد و بی‌اراده نباشید که بگویید: اگر مردم خوبی کردند، ما خوبی می‌کنیم و اگر ظلم کردند، ما هم ظلم می‌کنیم. از خودتان اراده داشته باشید؛ اگر مردم خوبی کردند، شما خوبی کنید و اگر بدی کردند، شما ظلم نکنید^۱ (محمدی ری‌شهری، ج. ۲۱، ص. ۳۸).

۲-۳. محدودیت‌های آزادی بیان

آزادی بیان در قرآن و اسلام از اصالت و قداست ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان یک اصل اساسی و ابزاری برای شکوفایی، رشد و تعالی معنوی و مادی انسان‌ها به رسمیت شناخته شده است. «بیان» از آیات الهی است که پروردگار بی‌درنگ پس از آفرینش آدم به او آموخته است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن، ۳-۴)؛ با این حال آزادی بیان در قرآن کریم محدودیت‌ها و ضوابطی دارد که خداوند آنها را تعیین کرده

۱. «لا تكونوا أمة، تقولون: ان احسن الناس أحسنًا وإن ظلموا ظلمنا! ولكن وطئوا أنفسكم إن أحسن الناس أن تحسنوا وإن إساءوا ألا تظلموا».

است؛ مانند زمانی که آزادی به فساد و تباهی، اضلال، احیای باطل، منکر و... منجر شود (مائده، ۷۷؛ غافر، ۵؛ اعراف، ۵۴؛ مجادله، ۲).

انسان کارگزار خداوند در قوانینی است که خود وضع نکرده است. این وضعیت اساساً با آزادی مطلق برای انسان منافات دارد. در نگرش اسلامی، عبد بودن جایی برای آزادی‌های مطلق باقی می‌گذارد و شریعت و فقه حد آزادی است. افزون بر اینکه اخلاق دینی نیز محدودیت‌هایی در این زمینه به بار می‌آورد (اسعدی، ۱۳۷۵، ص. ۱۵). در بند «الف» ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز آزادی بیان برای همه اشخاص به عنوان یک حق پذیرفته شده، اما تنها ضابطه آن را مغایرت نداشتن با اصول شرعی و باورهای مسلم دینی اعلان کرده است. بند «ب» اعلامیه نیز همان محتوا را به شیوه دیگری بیان می‌دارد: «هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی، دعوت کند».

با سنجیدن مواد اسناد حقوق بشر با آموزه‌های قرآنی در می‌یابیم که با همه اختلاف نظرهای مبانی، در نتایج و احکام جزئی مشابهت زیاد وجود دارد؛ زیرا حقوق بشر یک متن فلسفی نیست؛ بلکه یک قانون‌نامه و سند حقوقی است و از این جهت بسیار شبیه قرآن است؛ زیرا قرآن نیز به‌ویژه در بخش احکام و فقه و اخلاق کاملاً عمل‌گرا و در خدمت انسان است.

در اعلامیه‌های بین‌المللی حقوق بشر، محدودیت‌هایی که اندیشمندان مسلمان با توجه به مبانی دینی و قرآنی برای آزادی بیان گفته‌اند به‌روشنی درج نگردیده است. در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی بیان بدون هیچ‌گونه محدودیت و قیدی آمده است؛ اما این بدان معنا نیست که آزادی بدون محدودیت تلقی گردد؛ زیرا در ماده ۲۹ و بندهای ۲ و ۳، محدودیت‌های پیش‌بینی شده است:

بند ۲. هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌ها، تنها تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون و به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.

بند ۳. این حقوق و آزادی‌ها، در هیچ موردی نمی‌تواند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد باشد.

افزون بر این، به موجب ماده هجدهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، آزادی بیان و انتخاب عقاید یا پذیرش یک مذهب به هر شکل جمعی، فردی، مخفی یا علنی، جزو حقوق انسان‌ها دانسته شده است. تنها بند سوم این ماده بیان می‌دارد محدودیت آزادی بیان، مذهب یا اعتقادات، زمانی است که به موجب قانون و در جهت حفظ امنیت عمومی، نظم، سلامتی اخلاق یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران پیش‌بینی شده باشد.

در مواد ۱۹ و ۲۰ آن نیز که درباره حق آزادی بیان و محدودیت‌های آن است، بیان می‌دارد:

بند ۲. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی جست‌وجو و دریافت و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به محدودیت‌ها، خواه شفاها یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری و یا به هر وسیله دیگر، به انتخاب خود می‌باشد.

بند ۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده، مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: احترام حقوق یا حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت و اخلاق عمومی.

در بندهای ماده ۲۰ نیز بیان شده است:

بند ۱. هرگونه تبلیغ برای جنگ، به موجب قانون ممنوع است.
بند ۲. هرگونه دعوت به کینه ملی، مذهبی یا نژادی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است.

اما آنچه که از قرآن کریم به مثابه مصدر بنیادین تشریح مسلمانان و آموزه‌های دینی و مسائل فقهی می‌توان استنباط کرد این است که آزادی بیان و اظهار عقیده و تعیین موضع، بسی قبل از اندیشه‌ورزی‌های غربی‌ها در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در سده‌های

هجدهم و نوزدهم است و زمینه‌های آزادی بیان را فراهم کرده است؛ برای نمونه قرآن می‌فرماید: «أَذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵) «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ» (عنکبوت، ۴۶).

سید قطب در تفسیر جدال احسن از منظر قرآن کریم می‌فرماید:

جدال احسن، یعنی هیچ عامل فشاری بر مخالف نباشد؛ هیچ گاه تحقیر یا تقیح نگردد...؛ طرف مخالف این گونه احساس نماید که مصون از خطرات جانی و دارای ارزش بلندی است و طوری با مجادل رفتار نشود که [گویا] هدف غلبه بر اوست؛ بلکه این گونه بفهمد که تنها رسیدن به حق، اصل و ملاک است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج. ۴، ص. ۲۲۰).

همچنین قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۷-۱۸). این آیه نیز به روشنی بر آزادی بیان دلالت می‌کند؛ زیرا لازمه شنیدن کلام و اقوال (حق یا باطل) زمانی میسر است که طرح و بیان آنها امکان داشته باشد.

اما از منظر قرآن کریم آزادی بیان زمانی محدودیت دارد که به زیان یا نابودی عقاید صحیح اسلامی منجر گردد؛ زیرا در دین مبین اسلام اشخاص نمی‌توانند آزادانه عقاید کفرآمیز خویش را تبلیغ کنند و انتشار دهند و این مسئله مجازات سختی را در پی خواهد داشت (شیروانی، ۱۳۹۱، ج. ۵، ص. ۲۳۰)؛ بنابراین حق آزادی در اسناد بین‌المللی و قرآن کریم کاملاً بدون قید و شرط نیست؛ بلکه محدودیت‌هایی نیز دارد؛ مانند مغایرت نداشتن با مصالح عمومی و نظم جامعه، عدم تعدی و مغایرت با حقوق دیگر افراد و اخلاق جامعه.

از این رو عوامل محدودیت آزادی‌ها را می‌توان تجاوز و تعدی به کرامت انسانی، تجاوز و تعدی به حقوق و آزادی‌های دیگران، به مخاطره‌انداختن امنیت و آسایش عمومی و هرج و مرج در جامعه دانست. در اسلام این حدود و شرایط، پیش از آنکه

مقرراتی سخت و تحمل‌ناپذیر باشد، قوانین مشروعی در راستای بهره‌مندی بهتر از آزادی است که با رعایت‌نکردن آن نه تنها آزادی آحاد جامعه تحقق نمی‌یابد، بلکه هرج و مرج نیز به وجود می‌آید و اگر آزادی، موجب تعدی به حق پروردگار عالم شود، ممنوع است و اطاعت از اوامر الهی، تکلیفی بر دوش انسان است. سوءاستفاده از آزادی که به سرکشی انسان در مقابل پروردگارش منجر شود، خود از عوامل محدودکننده آزادی است؛ زیرا این‌گونه آزادی در نظام اسلامی و قرآن مشروعیت ندارد و از درجه اعتبار ساقط است. محدودیت آزادی چنان لازم و ضروری می‌نماید که اندیشمندان می‌گویند: «نخستین شرط آزادی، محدودیت است» (دورانت، ۱۳۷۸، ج. ۱۳، ص. ۳۲۴) و آزادی بدون محدودیت، خود عامل نابودکننده آزادی است. آزادی در جامعه نباید محل آزادی دیگران و مختل‌کننده نظم و امنیت عمومی باشد؛ زیرا لازمه اجتماع نظم و امنیت است.

۳. آزادی تشکیل احزاب و جمعیت‌ها

تشکیل احزاب و جمعیت‌ها، یکی از مصادیق بارز و شناخته‌شده آزادی‌ها به شمار می‌آید. ماده بیستم اعلامیه حقوق بشر به این حق اساسی پرداخته و تکثرگرایی را به عنوان یک اصل اساسی آزادی پذیرفته است: «هر انسانی مُحق به آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن‌های مسالمت‌آمیز است و همچنین هیچ کس نمی‌بایست مجبور به شرکت در هیچ انجمنی شود» (اعلامیه حقوق بشر، ماده ۲۰).

با توجه به وجود و اعتراف این حق در اعلامیه جهانی حقوق بشر، قرآن کریم نیز به جنبه‌های گوناگون این اصل می‌پردازد. رویکرد قرآن کریم درباره احزاب را می‌توان به دو قسم کلی تقسیم کرد:

۳-۱. رویکرد منفی

برخی آیات قرآنی به وحدت و یکپارچگی مسلمانان می‌پردازد و بر آن تأکید می‌کند (مؤمنون، ۵۲؛ انبیاء، ۹۲). قرآن کریم همواره مسلمانان را به اتحاد و وحدت

فراخوانده و از اختلاف و تفرقه منع کرده است^۱ و تفرقه و عدم وحدت را زیان‌بار توصیف کرده و تحزب را از صفات مشرکان دانسته است: «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (روم، ۳۲)؛ منظور از کسانی که دین خود را متفرق کردند، مشرکان است. در این جمله مشرکان را به خصوصی‌ترین صفاتی که در دین دارند، معرفی می‌کند؛ همانند تفرق در دین، دسته‌دسته و حزب‌حزب بودن و خوشحالی هر حزب به دین خود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق. ج ۱۶، ۱۲۱). از این آیات می‌توان فهمید که تحزب و تکثرگرایی مورد پذیرش قرآن نیست:

کلمه حزب، یازده بار در قرآن کریم به صورت جمع به کار رفته و بر مخالفین حق اطلاق شده است و هر جا کلمه حزب به تنهایی ذکر شده بار منفی داشته است؛ لذا با توجه به این مسئله برخی معتقدند در اسلام، احزاب معنا ندارد و تنها یک حزب وجود دارد و آن «حزب الله» است (یعقوب، ۱۴۲۹ق. ص. ۱۶۵).

۲-۳. رویکرد مثبت و برگزیده

در مقابل رویکرد منفی به حزب و تکثرگرایی، برخی با تکیه بر وجوه گوناگون واژه‌های فقه، فرقه، حزب و... بر وجود دلیل فقهی برای آن تأکید می‌کنند و وجود آن واژه‌ها را دلیلی بر وجود چنین مفاهیم و گروه‌هایی در جامعه اسلامی می‌دانند. در این دیدگاه امکان صدق مفهوم «حزب الله» بر همه احزاب انسانی و ملی که آرمان‌های اصلاح‌گرایانه و خیرخواهانه برای احیا و دفاع از حقوق آحاد جامعه را به عهده دارند، مثبت ارزیابی شده است (صداقت، ۱۳۸۷، ص. ۷۹).

این دو دیدگاه و نگرش درباره احزاب و تحزب را بر اساس واژه‌های قرآنی اثبات یا رد کرده‌اند؛ در حالی که در اصطلاح قرآنی واژه حزب به معنای امروزی و جدید آن نیست؛ بلکه در بسیاری از کاربردهای آن، معنای لغوی (جماعت، انصار و گروه) و یا معنای

۱. «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُبَدِّلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام، ۱۵۹)؛ «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال، ۴۶).

نظامی (لشکر) مراد است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج. ۱، ص. ۳۰۸؛ فراهیدی، بی تا، ج. ۳، ص. ۱۶۴).

از این رو در بررسی حزب به معنای جدید آن نمی توان با استناد به آیات قرآن که واژه حزب در آنها آمده است، رد یا اثبات نظریه ای را نتیجه گرفت. خلط میان مفهوم قدیم و جدید یک واژه پذیرفتنی نیست؛ زیرا در صورت عدم تفکیک مفهوم قدیم و جدید، ممکن است به اشتباه موضوعی تأیید یا رد گردد (حقیقت، ۱۳۷۷، ص. ۱۵۹).

با توجه جایگاه احزاب سیاسی در جوامع کنونی که به عنوان حلقه رابط میان مردم و حاکمیت هستند و با کشف و تبیین مقتضیات نظری و بسترهای سیاسی و فرهنگی در درون فرهنگ دینی، مبنای فقهی تحزب را می توان استنباط کرد و در نتیجه رویکرد مثبت دین را به این پدیده نو اثبات کرد. حتی در اسلام و قرآن کریم ضرورتی برای وجود حزب آمده و یکی از عوامل لازم برای اجرای حکومت اسلامی است؛ از این رو مؤلفه های مقوم احزاب عبارت اند از: تکثرگرایی، مشارکت سیاسی، رقابت و انتخابات و حق رأی. این مؤلفه ها از منابع دینی قابل استنتاج اند و مفاهیمی مانند بیعت، شوری، امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت حاکمان مسلمانان، نقد خیرخواهانه کارگزاران و حاکم اسلامی و نظارت بر حکومت می تواند بسترهای مناسب برای مشارکت سیاسی و انتخابات را فراهم سازد و وجود این مفاهیم را می توان از عرصه های رقابت های سیاسی دانست؛ بنابراین ضمن پذیرش اصول موضوعه و کلیات تنوع و تکثر در حوزه اجتماع و مسائل عرفی، پذیرفته می شود آحاد جامعه با اصول و حقایق ثابت و اصول موضوعه موافق اند؛ اما درباره راه تحقق هر اصلی به مشورت می پردازند. این مسئله خود بیانگر نوعی تکثرگرایی است. ما به الاشتراک در اصول و ما به التفاوت در روش ها، سطحی از تکثرگرایی می باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص. ۳۴۰).

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین المللی نیز حق آزادی های سیاسی احزاب و مجامع عمومی به مسالمت آمیز بودن فعالیت های آنها منوط است؛ از این جهت اسناد بین المللی حقوق بشر با آموزه های قرآن کریم تفاوت زیادی ندارند و موافق همدیگر است؛ اما تکثرگرایی (پلورالیسم) مورد نظر اعلامیه حقوق بشر در اسلام وجود ندارد. در اسلام اصول ثابت و خدشه ناپذیری وجود دارد که هر گونه کثرت گرایی را

انکار می‌کند؛ از این رو هر گونه آزادی در انتخابات و رقابت سیاسی در فرهنگ دینی - اسلامی، با موارد مطرح در غرب متفاوت است.

۴. آزادی عقیده و مذهب

بر اساس آزادی عقیده و مذهب، هر کسی می‌تواند هر اندیشه و مذهبی را آزادانه اختیار نماید و ابراز کند: «آزادی عقیده برای انسان ارزش خاصی دارد که هر عقیده‌ای را می‌خواهد اختیار نماید و در عقیده خویش آزاد باشد؛ یعنی کسی به خاطر این عقیده و فکر مزاحم او نشود» (مطهری، ۱۳۶۱، ص. ۷). جلوه‌های آزادی مذهب در سه سطح مطرح است: داشتن یا اتخاذ مذهب؛ حق برگزاری اعمال و مناسک دینی - مذهبی و در سطح نهایی، عدم تبعیض عقیدتی و مذهبی.

بر اساس نظر کمیته حقوق بشر، آزادی عقیده یک آزادی مطلق و بدون قید و شرط و تحدید است؛ از این رو مشمول فسخ در زمان اضطرار عمومی، آن‌طور که در ماده چهارم میثاق آمده، نخواهد بود. اختیار مذهب و عقیده بر اساس تفکر غربی و با توجه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به زندگی فردی افراد مربوط است و در این اسناد بر آنها تأکید شده است و حتی تغییر مذهب را نیز مشمول دین حق می‌شناسد و کسی نمی‌تواند آزادی عقیده و انتخاب مذهب را از افراد سلب کند و دولت‌ها نیز نسبت به امور اعتقادی مردم باید بی‌طرف باشند (گلن تیندر، ۱۳۹۴، ص. ۳۴).

در ماده هیجدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دین است. هر کس می‌تواند از این حقوق، منفرداً یا مجتمعاً به طور خصوصی یا عمومی برخوردار باشد.

بنابراین اسناد بین‌المللی حقوق بشر تعریف تقریباً شفاف از آزادی دین و عقیده بیان داشته و موارد احتمال ابهام آن نیز در آرای قضایی و نظارتی بین‌المللی برطرف شده

است؛ برای مثال با استناد به آرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی و آرای کمیته حقوق بشر می‌توان گفت که افراد حق تغییر دین و مذهب دارند و تبلیغ مذهبی نیز جزئی از حق آموزش مذهبی می‌باشد.

قرآن کریم نیز آزادی عقیده و فکر را به رسمیت می‌شناسد و احترام به عقاید دیگران را لازم می‌شمارد (زمر، ۱۷-۱۸؛ نساء، ۱۱۴؛ مائده، ۴۸) و می‌فرماید: در پذیرش دین، اکراه و اجباری وجود ندارد (بقره، ۲۵۶). قرآن با تحمیل عقیده مخالف است و اجبار در پذیرش عقاید را منتفی می‌داند و بر آزادی اندیشه، وجدان و دین تأکید می‌ورزد (بقره، ۲۵۶، ۲۳۱؛ ممتحنه، ۸؛ انعام، ۱۰۸؛ یونس، ۹۹)؛ همچنین نمی‌توان آزادی بیان را از آزادی عقیده و آزادی مذهب و دین تفکیک کرد؛ زیرا فکر و اندیشه بدون سخن و بدون ابراز آن ارزشی ندارد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲، ص. ۶۷). در قرآن کریم که غایت آن پرورش و تربیت و روحیه عدالت خواهی و عدالت‌مداری است، افراد و حکومت نمی‌توانند نسبت به عقاید و افکار بی‌اعتنا باشند؛ زیرا چه‌بسا عقیده‌ای نادرست جامعه‌ای را به فساد و تباهی کشاند؛ از این رو قرآن کریم بی‌اعتنایی به دین را بر نمی‌تابد (حدید، ۲۵). عدالت و ظلم در قرآن کریم چنان گستردگی دارد که افزون بر رابطه انسان با دیگر انسان‌ها، رابطه او را با خود و خالقش را نیز در بر می‌گیرد.

۴-۱. پاسخ به یک شبهه

در بحث آزادی دین و عقیده، چه‌بسا این شبهه مطرح شود که اگر اسلام طرفدار آزادی دین و عقیده است، پس چرا حکم مرتد در اسلام اعدام است؟ باید گفت که حفظ عقاید صحیح مردم اهمیت زیادی دارد و باید از کسانی که به دین و دین‌داری مردم آسیب می‌رسانند، جلوگیری کرد؛ از این رو «مرتد» را که بر خلاف تعهد پیشین خود، به مقررات و حیانی و الهی پشت پا می‌زند و موجب شک، دودلی و بی‌بندوباری در میان مردم می‌گردد، باید تنبیه کرد و اشاعه‌کنندگان ناهنجاری‌های مذهبی و تبلیغ‌کنندگان زشتی‌ها در جامعه باید تنبیه گردند (نور، ۱۹). عالمان دینی درباره مسئله «ارتداد» اجماع دارند؛ به گونه‌ای که در فقه شیعه و سنی، صرف نظر از برخی تفاوت‌های

جزئی، حکم ارتداد، اعدام شخص مرتد است. با توجه به اهمیتی که اسلام به آزادی می‌دهد و انتخاب عقیده و مرام در اسلام آزاد است و اجباری در انتخاب عقیده نیست، این پرسش پیش می‌آید که «چرا اسلام چنین مجازات سنگینی برای ارتداد قائل است؟» در پاسخ باید گفت: «اسلام، انسان را مسئول می‌داند که برای کشف حقیقت و پیدا کردن عقیده صحیح بکوشد؛ ولی اسلام نمی‌خواهد به زور این عقیده را به افراد تحمیل کند (بقره، ۲۵۶). در مورد کفار نیز اگر در مقام مبارزه و مقابله با اسلام برنخیزند، علی‌الاصول به عقیده آنها کاری ندارد؛ نه در مقام تفتیش عقاید بر می‌آید و نه آنها را به خاطر صرف عقیده مخالف مجازات می‌نماید» (مهرپور، ۱۳۷۷، ص. ۵۴-۵۶). اسلام درباره تغییر مذهب پس از پذیرش آن، قواعد ویژه‌ی دارد که به «ارتداد» معروف است. «از یک نظر، مجازات مرتد در اسلام یک فلسفه اساسی دارد و آن حفظ جبهه داخلی کشور اسلامی و جلوگیری از متلاشی شدن آن و ممانعت از نفوذ بیگانگان و منافقان است...» (کریمی‌نیا، بی‌تا، ص. ۱۴۲). در صدر اسلام، یهودی‌ها برای شکستن روحیه افراد تازه‌مسلمان، تعدادی را به دیار مسلمانان اعزام می‌کردند و آنها به ظاهر مسلمان می‌شدند. سپس این افراد نفوذی پس از مدتی از اسلام روی گران می‌شدند و آن را دینی که شایسته تبعیت نیست، معرفی می‌کردند. در نتیجه در ایمان برخی از مسلمانان تزلزل به وجود می‌آمد» (موسوی اردبیلی، ۱۳۷۸، ص. ۱۳).

بنابراین مسئله ارتداد بیشتر به چاره‌اندیشی از این توطئه دشمنان اسلام بر می‌گردد که در صدر اسلام یهودیان برای تضعیف روحیه تازه‌مسلمانان و ایجاد تزلزل در میان صفوف مسلمانان انجام می‌دادند. امروزه نیز ممکن است خطر این توطئه از سوی دشمنان تکرار شود و شخص مرتد با علنی ساختن و اظهار ارتداد خویش آرامش دینی جامعه را برهم زند و در ثبات اعتقاد جامعه و توحید اختلال ایجاد کند؛ زیرا تا زمانی ارتداد به مرحله اظهار علنی نرسیده باشد، نمی‌توان مرتکب آن را مجازات کرد و اطلاع از ارتداد کسی موجب وجوب اعدام او نمی‌شود (دشتی، ۱۳۹۰، ص. ۷۹). زمانی حکم ارتداد اجرا می‌گردد که شخص مرتد آشکارا به کفر خویش اقدام کند؛ وگرنه صرف انکار قلبی و شخصی کفایت نمی‌کند؛ از این رو جنبه اجتماعی و سیاسی قضیه اهمیت زیادی

دارد که این به دلیل جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی انکار دین و خنثی کردن توطئه دشمنان اسلام است.

با جمع‌بندی دیدگاه‌ها، شرایط ذیل برای ارتداد لازم است:

۱. برای تحقق ارتداد دو نکته ضروری است: خروج از اسلام و انکار جاهدانه.
۲. مانند تمام جرایم، بلوغ، عقل و اختیار از شرایط تحقق ارتداد است.
۳. مجازات مرتد از اختیارات حاکم اسلامی است.
۴. از علل قاطعیت اسلام درباره مرتد، دلایلی همچون تحقیر جامعه اسلامی، جنگ روانی علیه اسلام، نفوذ به قصد براندازی و جلوگیری از انتخاب کورکورانه قابل بیان هستند.

۵. شخصی که با قصد و اختیار و بدون اکراه اسلام را می‌پذیرد، باید به اصل ارتداد و پیامدهای آن آگاهانه ملتزم شود؛ درحالی‌که پیش از مسلمان شدن چنین تعهد و مسئولیتی را نمی‌سپارد؛ از این رو احکام ارتداد با آزادی در انتخاب مذهب منافاتی ندارد؛ زیرا آن نیز انتخابی دیگر است؛ مانند پذیرش رانندگی و قوانین مربوط به آن (ولایی، بی‌تا)، صص. ۲۴۸-۲۶۲).

اما موضع حقوق بشر در این باره متفاوت است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر تغییر دین مسکوت است؛ اما بر اساس آرای کمیته حقوق بشر به عنوان مفسر اصلی میثاق حقوق مدنی و سیاسی، افراد حق تغییر مذهب یا دین خود را دارند و تبلیغ دینی نیز جزئی از حق آزادی عقیده و مذهب تعریف می‌شود: «آزادی داشتن یا پذیرش یک دین یا عقیده، حتماً به آزادی انتخاب یک دین یا عقیده منجر می‌شود و این شامل حق جای‌گزین کردن دین یا عقیده فعلی با دین یا عقیده دیگر یا پذیرش نظرهای الحادی و همچنین حق حفظ دین یا عقیده می‌شود». برخی از اسناد بین‌المللی دیگر نیز حق تغییر دین را به رسمیت شناخته‌اند. ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان می‌کند: «... این حق شامل آزادی تغییر دین یا عقیده می‌شود؛ بنابراین در مجموع با توجه به اسناد و اعلامیه‌های حقوق بشر نباید تردید کرد که تغییر دین و مذهب، جزئی از حق آزادی دین است.

۵. آزادی اجتماعات

مطابق این نوع از آزادی، افراد حق دارند به صورت مسالمت‌آمیز، آزادانه گرد هم آیند و افکار و عقایدشان را ابراز و اعلان موضع کنند. این آزادی‌ها ادامه منطقی آزادی بیان و اندیشه در یک حالت جمعی هستند (هکی، ۱۳۸۹، ص. ۶۰). تا زمانی که مردم و حرکت‌ها در مسیر درست باشند، باید با آزادی اجتماعات همکاری کرد و اگر جایی خروج از مسیر اصلی و خطر انحراف احساس شود، برای دفع آن خطر باید مقابله کرد.

آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر و جلوگیری از مفساد اجتماعی، دلیل روشنی بر این مطلب است که افراد در یک جامعه اسلامی، آن‌گونه آزاد نیستند تا هر قول یا فعلی بگویند یا عمل کنند؛ زیرا پیامد چنین وضعیتی فساد و فتنه اجتماعی خواهد بود (بقره، ۱۹۱). حقوق و آزادی‌های اجتماعات را نمی‌توان ذیل آزادی بیان به شمار آورد؛ زیرا اهداف کسانی که در این گردهمایی‌ها می‌آیند را نمی‌توان تنها بیان دیدگاه‌ها دانست؛ بلکه صرف ایجاد تجمع موقت یا دائمی نیز هدف این آزادی است؛ همچنین جمع شدن انسان‌ها نزد یکدیگر، چه در قالب اجتماعات موقت و چه در قالب انجمن‌ها، یک حق و آزادی مستقل است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۰) و این آزادی‌ها برای مشارکت سیاسی در جامعه مدنی و عرصه عمومی اهمیت بالایی دارد.

قرآن کریم و تعالیم علوی، عوامل سلب آزادی را، چه در ناحیه سلب‌کنندگان و چه سلب‌شوندگان، از میان برد و اجازه آزادی‌ستیزی و اسارت انسان در جامعه بشری را نداد و زمینه‌های آن را نیز مسدود کرد. در بینش اسلامی و قرآن کریم، انسان صاحب حق و مکرم است و اصل بر آزادی انسان‌هاست. مردم حق دارند در اداره جامعه خویش دخالت کنند و بلکه مکلف به مشارکت در حرکت‌های عدالت‌خواهانه و آزادی‌جویانه جامعه هستند و هرگونه کوتاهی موجب سلب آزادی و تسلط صاحبان قدرت و مکتد خواهد شد تا خواست‌های نامشروع خویش را بر جامعه تحمیل کنند و آزادی‌های مشروع آنها را سلب یا محدود نمایند.

حق آزادی اجتماعات مانند دیگر حقوق آزادی‌ها، محدودیت‌هایی نیز دارد که اساساً تکرار محدودیت‌های دیگر مواد میثاق از جمله مواد ناظر بر آزادی بیان و آزادی

اندیشه و مذهب است؛ با دو تفاوت اساسی که در این محدودیت‌ها وجود دارد: اول اینکه محدودیت‌ها در یک جامعه دموکراتیک ضروری هستند؛ بر خلاف مواد مربوط به آزادی عقیده و بیان که در اینجا لحاظ شده است (این محدودیت‌ها در ماده بیست و نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز گنجانده شده است). تفاوت دیگر اینکه در ماده بیست و دوم آمده است محدودیت‌ها باید مطابق قانون باشند. این تفاوت، تصمیم‌های دستگاه‌های مدیریتی را نیز در اعمال محدودیت‌ها مجاز می‌شمارد؛ البته محدودیت‌هایی که بر اعمال محدودیت بر اساس قانون محدود نباشد.

نتیجه‌گیری

با بررسی تطبیقی انواع آزادی‌ها در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قرآن کریم، میان آنها می‌توان اشتراکات و اختلافاتی یافت. مهم‌ترین اشتراکات آزادی‌ها در قرآن کریم و اسناد بین‌المللی حقوق بشر موارد ذیل هستند:

- آزادی از حقوق مهم و بنیانی تلقی شده است. حاکمیت و اجتماع مسئول برخورداری آحاد جامعه از این حق است.

- همه انسان‌ها در برابر قانون یکسان‌اند و حق مساوات یکی دیگر از حقوق اساسی مورد پذیرش نظام اسلامی در قرآن و نظام‌های غیراسلامی در اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر است.

- انسان دارای کرامت ذاتی است. این ویژگی نشان می‌دهد همه انسان‌ها به طور مساوی قابل احترام‌اند و تبعیض و تعصب مردود است و او در انتخاب، اندیشه‌ها و عقاید آزاد است.

- در اسلام محدودیت آزادی‌ها زمانی است که آزادی‌های شخص، آزادی دیگران را سلب کند یا به آزادی دیگران زیان وارد سازد. حتی فرد برای زیان‌رساندن به کمال و رشد خویش نیز مجوزی ندارد.

- در اسلام آزادی فی‌نفسه «هدف» نیست؛ بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به حیات معقول و باریابی به کمال و سعادت دنیایی و آخرتی؛ ازاین‌رو آزادی بیان و عقیده نیز

نباید موجب اخلال در زندگی مطلوب مردم گردد.

از سوی دیگر در اسناد بین‌المللی حقوق بشر که تهیه‌کنندگان آنها بیشتر مسیحیان بوده‌اند و به فرهنگ و عقاید دیگر ادیان و مذاهب توجهی نکرده‌اند، آزادی‌ها گاه در تعارض با باورهای افراد است. در اسلام رهایی مطلق معنا و جایگاه واقعی ندارد و خود به معنای بردگی است؛ زیرا اگر انسان در انتخاب انواع آرزوهای صحیح و ناصحیح و از جمله انتخاب دین و آیین آزاد باشد، آن‌گاه اسیر آرزوها و هوس‌های خود می‌گردد و از آنها پیروی خواهد کرد. روحیه عدالت‌خواهی و عدالت‌مداری غایت اسلام است؛ از این رو افراد و حکومت‌ها نمی‌توانند نسبت به عقاید و افکار بی‌اعتنا باشند. چه بسا عقیده نادرستی جامعه‌ای را به فساد و تباهی کشاند؛ از این رو بی‌اعتنایی به دین را آموزه‌های قرآنی بر نمی‌تابد؛ بنابراین مسئله آزادی از بنیادی‌ترین حقوق بشری است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر بدان پرداخته شده است؛ اما این حقوق پیش‌تر در اسلام و قرآن کریم نیز آمده و بر اجرای آنها تأکید شده است. آزادی‌هایی همچون تشکیل احزاب و جمعیت‌ها، آزادی بیان، عقیده و آزادی‌های گروهی در اعلامیه و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر آمده است و با وجود اختلاف‌نظرهایی در موضوعات فوق می‌توان گفت که در اسناد بین‌المللی، تعریف شفاف و تقریباً جامعی از آزادی‌ها ارائه شده است و موارد احتمالی ابهام نیز در آرای نهادهای قضایی - نظارتی بین‌المللی برطرف شده است؛ همچنین آزادی‌ها در قرآن کریم و منابع اسلامی و در اسناد بین‌المللی، مطلق نیستند و محدودیت‌هایی بر آن حاکم است. محدودیت‌هایی که در برخی آیات قرآن کریم و موارد اسناد بین‌المللی حقوق بشر گنجانده شده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
اعلامیه جهانی حقوق بشر.
آقایی، ب. (۱۳۷۶). فرهنگ حقوق بشر، بی‌نا.
ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. (چاپ سوم؛ ج. ۱). بیروت: دار صادر.
اسحاقی، س. ح. (۱۳۸۴). آزادی در اسلام و غرب. (چاپ اول). تهران: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
اسعدی، ح. (۱۳۷۵). خانواده و حقوق آن. مشهد: آستان قدس رضوی.
بخشی، ع. (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مؤسسه علم روز.
بستانی، ب. (۱۹۸۰م). دائرةالمعارف. بیروت: دارالمعرفه.
البلبکی، م. (۱۹۹۶). المورد الوسیط. (طبعة الاولى). بیروت: دارالعلم للملایین.
تاموشات، ک. (بی‌تا). حقوق بشر، ترجمه و نگارش: حسین شریفی طراز کوهی، [بی‌نا].
تیندر، گ. (۱۳۹۴). تفکر سیاسی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
حائری، ع. (۱۳۷۴). آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران: گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سده پیشین. مشهد: جهاد دانشگاهی.
حقیقت، س. ص. (۱۳۷۷). جایگاه احزاب در اندیشه سیاسی اسلامی. علوم سیاسی، شماره ۳، صص. ۱۵۰-۱۶۳.
دشتی، م. ت. (۱۳۹۰). حقوق بشر در ترازو. تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
دورانت، و. (۱۳۷۸). تاریخ تمدن. (ج. ۱۳). ا. آرام (مترجم). تهران: انتشارات اقبال.
دهخدا، ع. ا. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. (ج. ۱). تهران: دانشگاه تهران.
سروش، ع. (۱۳۷۵). دین و آزادی. کیان، شماره ۳۳.
سیدقطب، ا. ح. (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.

- شیروانی، ع. (۱۳۹۱). شرح لمعه. (ج. ۵). م. عباسی (مترجم). تبریز: انتشارات فروزش.
- صداقت، ق.ع. (۱۳۸۷). تحزب و مبانی آن در فقه سیاسی. معرفت، ۱۷(۲)، صص. ۱-۲۶.
- طباطبایی مؤتمنی، م. (۱۳۸۲). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبایی، م.ح. (۱۴۱۷). تفسیر المیزان. (ج. ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عبداللهی، ج. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی حق آزادی بیان از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر. تهران: احسان.
- فراهیدی، ع. (بی‌تا). العین. (ج. ۳). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قاری سیدفاطمی، س.م. (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر (درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.
- قاضی شریعت‌پناهی، س.ا. (۱۳۷۳). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ن. و همکاران (۱۳۸۲). آزادی اندیشه و بیان. تهران: دانشکده حقوق.
- کریمی‌نیا، م.م. (بی‌تا). حقوق بشر و قانون اساسی جمهوری اسلامی، بی‌نا.
- کوئینتن، آ. (۱۳۷۱). فلسفه سیاسی. م. اسعدی. (مترجم). تهران: نشر بین‌المللی هدی.
- کولیور، س. (۱۳۷۹). آزادی حق و امنیت. ترجمه: علی‌اکبر آقایی (مترجم). مطالعات راهبردی، شماره ۴، ۱۷۸-۱۹۱.
- محمدی ری‌شهری، م. (۱۳۸۳). میزان الحکمه. (ج. ۲۱). قم: دارالحدیث.
- مصباح یزدی، م.ت. (۱۳۷۶). پلورالیسم دینی. کتاب نقد، شماره ۴، صص. ۳۲۳-۳۴۳.
- مطهری، م. (۱۳۶۱). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
- معین، م. (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی معین. (ج. ۱). تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- مقدم، ع. (۱۳۴۴). حاکمیت و هم‌زیستی جهانی ملت‌ها، (ج. ۲). تبریز: ابن سینا.
- مکارم شیرازی، ن. (بی‌تا). پیام امام: شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه. (ج. ۳). قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب.

- موسوی اردبیلی، س.ع. (۱۳۷۸). ارتداد، نگاهی دوباره؛ تصویری از مباحث آیت‌الله موسوی اردبیلی. حکومت اسلامی، شماره ۱۳، صص. ۹-۲۶.
- موسویان، س.ا. (۱۳۸۹). دین و آزادی: بحثی درباره آزادی عقیده، جهاد ابتدایی و ارتداد. (چ ۱). تهران، صحیفه خرد.
- مهرپور، ح. (۱۳۷۷). نظام بین‌المللی حقوق بشر. تهران: انتشارات اطلاعات.
- میراحمدی، م. (بی‌تا). آزادی سیاسی در قرآن، مجموعه مقالات چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی.
- میرموسوی، س.ع.؛ حقیقت، س.ص. (۱۳۸۸). مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب. تهران: سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ولایی، ع. (بی‌تا). ارتداد در اسلام، بی‌نا.
- هگی، ف. (۱۳۸۹). گفتمان حقوق بشر برای همه. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- یعقوب، ا.ح. (۱۴۲۹ق). حقوق الانسان عند اهل البيت النبوة و الفكر المعاصر. قم: دارالهدی.

References

* Holy Quran

** Universal Declaration of Human Rights

Abdollahi, J. (2007). *A comparative study of the right to freedom of expression from the perspective of Islam and international human rights documents*.

Tehran: Ehsan. [In Persian]

Al-Ba'albaki, M. (1996). *Al-mu'rid al-wasit* (1st ed.). Beirut: Dar al-'Ilm lil-Malyun. [In Arabic]

Aqae, B. (1997). *Dictionary of human rights*. n.p. [In Persian]

Asadi, H. (1996). *Family and its rights*. Mashhad: Astan Qods Razavi. [In Persian]

Bakhshi, A. (1995). *Dictionary of political science*. Tehran: Elm-e Ruz. [In Persian]

Bostani, B. (1980). *Encyclopedia*. Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]

Dashti, M. T. (2011). *Human rights in the balance*. Tehran: Kanun-e Andishe-ye Javan. [In Persian]

Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda dictionary* (Vol. 1). Tehran: University of Tehran. [In Persian]

Durant, W. (1999). *The story of civilization* (Vol. 13, A. Aram, Trans.). Tehran: Iqbal. [In Persian]

Farahidi, A. (n.d.). *Al-'ayn* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]

Ha'eri, A. (1995). *Political and social freedoms from the perspective of thinkers: A look at Persian writings in the past two centuries*. Mashhad: Jihad Daneshgahi. [In Persian]

Hakki, F. (2010). *The discourse of human rights for all*. Tehran: Institute for Studies and Research on the Law of Civil Society. [In Persian]

- Haqiqat, S. S. (1998). The place of parties in Islamic political thought. *Political Science*, 3, 150-163. [In Persian]
- Ibn Manzur, M. (1993). *Lisan al-Arab* (3rd ed., Vol. 1). Beirut: Dar al-Sadr. [In Arabic]
- Ishaqi, S. H. (2005). *Freedom in Islam and the West* (1st ed.). Tehran: Center for Research of Radio and Television. [In Persian]
- Karimi Nia, M. M. (n.d.). *Human rights and the constitution of the Islamic Republic*. n.p. [In Persian]
- Katozian, N., et al. (2003). *Freedom of thought and expression*. Tehran: Faculty of Law. [In Persian]
- Kuliev, S. (2000). Freedom, right, and security (A. A. Aqae, Trans.). *Studies in Strategy*, 4, 178-191. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (n.d.). *The message of the Imam: A new and comprehensive commentary on Nahj al-balaghah* (Vol. 3). Qom: Imam Ali ibn Abi Talib. [In Persian]
- Mehrpur, H. (1998). *The international system of human rights*. Tehran: Ettela'at. [In Persian]
- Mesbahe Yazdi, M. T. (1997). Religious pluralism. *critical book*, 4, 323-343. [In Persian]
- Mir Mousavi, S. A., & Haqiqat, S. S. (2009). *Foundations of human rights from the perspective of Islam and other schools*. Tehran: Organization for the Publication of Culture and Islamic Thought. [In Persian]
- Mirahmadi, M. (n.d.). *Political freedom in the Quran, Collection of articles from the fourth strategic thought conference*. [In Persian]
- Mo'in, M. (1998). *Mo'in Persian dictionary* (Vol. 1). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Mohammadi Rey Shahri, M. (2004). *Mizan al-hikmah* (Vol. 21). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]

- Moqadaam, A. (1965). *Sovereignty and global coexistence of nations* (Vol. 2). Tabriz: Ibn Sina. [In Persian]
- Motahhari, M. (1982). *Concerning the Islamic Revolution*. Tehran: Sadra. [In Persian]
- Mousavi Ardabili, S. A. (1999). Apostasy, a new look: A picture of the discussions of Ayatollah Mousavi Ardabili. *Islamic Government*, 13, 9-26. [In Persian]
- Mousavian, S. A. (2010). *Religion and freedom: A discussion on freedom of belief, initial jihad, and apostasy* (1st ed.). Tehran: Sahifeh-ye kherad. [In Persian]
- Qari Seyed Fatemi, S. M. (2009). *Human rights in the contemporary world: An introduction to theoretical issues: Concepts, foundations, scope, and sources*. Tehran: Institute for Studies and Research on the Law of Civil Society. [In Persian]
- Qazi Shari'at Panahi, S. A. (1994). *Essentials of constitutional law*. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Quentin, A. (1992). *Political philosophy* (M. Asadim Trans.). Tehran: Hoda International Publications. [In Persian]
- Sadaqat, Q. A. (2008). Party formation and its foundations in political jurisprudence. *Ma'refat*, 17(2), 1-26. [In Persian]
- Sayyid Qutb, A. H. (1991). *Ma'alim fi al-tarikh*. Beirut: Dar al-Shuruq. [In Arabic]
- Shiravani, A. (2012). *Sharh-e Lumeh* (Vol. 5, M. Abbasi, Trans.). Tabriz: Furozsh. [In Arabic]
- Soroush, A. (1996). Religion and freedom. *Kian*, 33. [In Persian]
- Tabatabaei Mo'tamani, M. (2003). *Public freedoms and human rights*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Tabatabaei, S. M. H. (1996). *Tafsir al-Mizan* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office, Seminary of Qom. [In Arabic]

- Tamushat, K. (n.d.). *Human rights* (H. Sharif Tarazkoohi, Trans.). n.p. [In Persian]
- Tinder, G. (2015). *Political thought*. Tehran: Scientific and Cultural Publications Company. [In Persian]
- Velayi, A. (n.d.). *Apostasy in Islam*. n.p. [In Persian]
- Yaqub, A. H. (2008). *Hoquq al-insan 'inda ahl al-bayt al-nubuawah wa al-fikr al-mu'aser*. Qom: Dar al-Hoda. [In Arabic]